

مطالعه عوامل تأثیرگذار بر فضای کسب و کار در ایران

زهرا کریمی نکانلو

استادیار دانشگاه تبریز

zahra.karimi.tu@gmail.com

سید کمال صادقی

دانشیار و مدیر گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

sadeghiseyedkamal@gmail.com

مریم ستاری

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

m_rainbow62@yahoo.com

منظور از فضای کسب و کار مجموعه عواملی است که بر شکل‌گیری، تداوم و عملکرد بنگاه تأثیرگذار هستند و تغییر آنها برای مدیران بنگاه‌های اقتصادی بسیار پرهزینه و یا غیرممکن می‌باشد. محیط کسب و کار محل تبادل و تأمین داده‌ها و ستاده‌های کار و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است و از این رو، نقش سرنوشت‌سازی در حیات و بقای سازمان‌ها و شرکت‌ها (بنگاه‌های اقتصادی) طی دوره عمر آنها برعهده دارد. جهت بررسی بیشتر جایگاه عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار می‌توان آن را با ادبیات اساسی مطرح در حوزه اقتصاد کلان تطبیق داد. هدف از این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار در ایران می‌باشد. البته از آنجایی که ساختار اقتصادی کشور ساختاری دولتی است بنابراین از میان عوامل اثرگذار بر فضای کسب و کار عامل سرمایه‌گذاری‌های دولتی پررنگ‌تر جلوه می‌نماید. این مقاله در 5 بخش تدوین گردیده است. پس از بیان مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه موضوع مطرح خواهد شد. بخش سوم به معرفی روش تحقیق اختصاص یافته است. متغیرهای مستقل مورد نظر در این تحقیق عبارتند از سرمایه‌گذاری‌های دولتی، تورم، سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی، باز بودن اقتصاد و در نهایت نرخ ارز رسمی که تمام این متغیرها به صورت کمی برای سری زمانی سال‌های (1350-1390) و با استفاده از روش اقتصادسنجی الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده محاسبه شده‌اند. در بخش چهارم یافته‌ها و نتایج تحقیق ذکر خواهد گردید و در بخش پنجم پیشنهادها و راهکارهایی برای بهبود فضای کسب و کار ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری‌های دولتی، فضای کسب و کار، نرخ ارز، باز بودن اقتصاد، تورم.

1. مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی هزینه انجام این فعالیت‌ها یا کسب و کارها است. هزینه‌های بالای کسب و کار موجب بالا رفتن بهای تمام شده محصولات و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری آنها به‌ویژه در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی می‌گردد.

در بعد بین‌المللی، کالاهای صادراتی تنها در صورت پایین بودن هزینه‌های تولید می‌توانند با جایگزین‌های خارجی خود رقابت نمایند. بخشی از هزینه‌های کسب و کار مربوط به مراحل انجام خود کسب و کار یا عوامل خرد و بخشی دیگر مربوط به حوزه خارج از کنترل صاحبان کسب و کار یا عوامل کلان می‌باشد که به‌طور عمده تحت تأثیر فعالیت و دخالت دولت‌هاست.

دولت از جهات، ابعاد و مسیرهای مختلف بر فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه فضای کسب و کار اثرگذار است. سرمایه‌گذاری دولتی شامل ایجاد و بهبود زیرساخت‌ها است که خود این کار موجب تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌گردد. زیرساخت‌ها عناصر اساسی و حیاتی فضای سرمایه‌گذاری محسوب می‌گردند و به 2 گروه زیرساخت‌های سخت مانند کیفیت جاده‌ها، آبرسانی، بندر و فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های نرم مانند کیفیت تأمین آب، برق و تلفن تقسیم‌بندی می‌شوند. هر دوی این گروه‌ها برای تولید و تجارت چه در داخل و چه در خارج از مرزها مهم و حیاتی به‌شمار می‌آیند. زیرساخت‌ها اغلب به‌عنوان یک مانع برای سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌روند.

در تحقیق صورت گرفته توسط لاروسی (2009) که به بررسی فضای سرمایه‌گذاری در 16 ایالت از کشور هندوستان پرداخته، اشاره شده با توجه به گزارش کمیته مالی که توسط دولت هندوستان در سال 2000 تنظیم شده است، مشخص گردیده ایالت‌هایی که از زیرساخت‌های با کیفیت‌های بالا در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی برخوردارند نسبت به سایر ایالت‌ها فضای مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌آیند. می‌توان چنین برداشت نمود که دولت می‌تواند نقشی بسیار مهم در اصلاح و بهبود کیفیت زیرساخت‌ها ایفا نماید به‌نحوی که سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی دولت به شکل‌گیری یک نظام اقتصادی سالم، شکوفا، شفاف و توانمند منجر شود و یا به گسترش اقتصاد زیرزمینی و فساد و در نتیجه یک اقتصاد ضعیف و ناکارآمد بینجامد (هالاینر، 1985).

بنابراین، می‌توان پرسید که دولت در بهبود فضای کسب و کار چه تأثیری دارد؟ علاوه بر این عوامل متعددی بر فضای کسب و کار تأثیرگذارند که از میان آنها می‌توان به تورم، بازبودن اقتصاد، نرخ ارز رسمی و سهم درآمدهای مالیاتی از محل تولید ناخالص داخلی اشاره نمود؛ در این مقاله به بررسی تأثیر هر یک از این عوامل بر فضای کسب و کار پرداخته می‌شود.

2. مبانی نظری

آثار و پیامدهای فعالیت دولت در سطوح خرد و کلان، از مهم‌ترین مباحثی می‌باشد که در علم اقتصاد مورد توجه قرار گرفته است. این توجه هر 2 حوزه علم اقتصاد اثباتی و دستوری را شامل می‌شود. گروهی از اقتصاددانان معتقد به حداقل دخالت دولت در اقتصاد بوده و گروهی دیگر دخالت‌های حداکثر دولت را در اقتصاد ضروری می‌دانند. در هر 2 نگرش سهم و نحوه حضور و دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی نقش اجتناب‌ناپذیری خواهد داشت. از سوی دیگر در حوزه اثباتی نیز مطالعات فراوانی در مورد تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای دخالت دولت در اقتصاد به دلیل مؤثر بودن جایگاه و سهم دولت در فعالیت‌های اقتصادی جامعه، صورت گرفته است. از (1930-1980) دولت عامل توسعه و فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های بهینه اقتصادی به‌شمار می‌رفت.

مکتب سنتی آلمان-اتریش (1933-1955) با تلاش‌های 2 اقتصاددان بنام تانن¹ و شومپتر² برجسته شد و شکل گرفت. شومپتر در خصوص وجود بازارهای کامل با نئو کلاسیک‌ها اختلاف نظر داشت و با تأکید بر عدم وجود چنین بازارهایی تلویحاً وارد موانع محیطی بنگاه‌ها شد. وی نقش کارآفرینان را در شکستن وضعیت‌های انحصاری برجسته و بر اهمیت نوآوری‌ها در توسعه اقتصادی تأکید نمود. شومپتر نقش اساسی پول در موقعیت‌های تعادل عمومی یا رشد متوازن را رد کرد و نگرش او به پول فقط به منزله واسطه مبادله‌ای بود. در چنین شرایطی کارآفرینان به دلیل نیازشان به اعتبار برای تأمین بودجه فعالیت‌ها و توسعه اقدامات تجاری‌شان به سیستم بانکی نیاز دارند. وی با کاهش توجه به پس‌اندازها و توجه به اعتبارات و تأمین مالی نمودهای حساس فرایند توسعه در توضیح سود، پول، اعتبار و نرخ بهره و چرخه بازرگانی را مدنظر قرار داد. تأملی در آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران اقتصادی به‌ویژه نظرات مطرح شده در دهه‌های میانی قرن بیستم بیانگر آن است که مفاهیم و تأملات مربوط به فضای کسب و کار در هر 2 نگرش مشهود می‌باشد (اتاق تعاون و بازرگانی، 1389). نکته بسیار مهم آن است که شاید بتوان گفت نهادیون از (1937-1975) نخستین مکتبی هستند که به مسائل یک بنگاه در کسب و کار خود توجه نمودند و از دیدگاه سازمانی و نهادی به بررسی محیط‌های فعالیت اقتصادی پرداختند.

عوامل بسیاری در تحولاتی که در دهه 1970 در اقتصاد بین‌الملل صورت گرفته است، دخیل بوده‌اند که مهم‌ترین آنها تحول عمیق در دیدگاه مربوط به نقش نسبی دولت و قوای بازار در فرایند اقتصادی می‌باشد. به‌طور کلی، در زمان برگزاری کنفرانس برتن‌وودز و ربع قرن پس از آن این نظریه پذیرفته شده بود که دولت‌ها و سیاست‌هایی که اتخاذ می‌گردد قوای محرکه اقتصاد هستند. بنابراین، از دولت‌ها انتظار

1. Tanan

2. Schumpeter

می‌رفت که در جهت اهداف اساسی و عملکرد قوی و سالم اقتصاد قبول مسئولیت کنند. امروزه دیدگاه صاحب‌نظران پیرامون نقش اقتصادی دولت، آنچه در بالا توصیف شد، به‌شدت در تعارض است؛ زیرا نخست، همه متفق‌القول هستند که نقش دولت حمایت کردن است و نه محدود ساختن ابتکار توسط بخش خصوصی یا رقابت با آن. مسئولیت دولت در عملکرد اقتصاد و کمک به آن شامل اداره مستقیم اقتصاد نیست بلکه، به‌جای آن، متضمن حفظ ثبات در چارچوب‌های قانونی، انتظامی و اجتماعی، انگیزه‌های اقتصادی و اقتصاد آزاد و عاری از محدودیت و مقرون به رقابت می‌باشد؛ دوم، اتفاق‌نظری در مورد حدود سیاست کلان اقتصاد پدیدار شده است که مبتنی بر تحلیل منطقی و شواهد تجربی عملکرد هر دولت می‌باشد؛ مبنای منطقی این اتفاق‌نظر عبارتند از:

- نظریه انتخاب عمومی بر پایه ابزارهای تحلیل اقتصادی بازار، مبین آن است که مأموران دولت به‌جای حداکثر ساختن مطلوبیت مردم به حداکثرسازی مطلوبیت خود گرایش دارند.

- فرضیه انتظارات عقلایی که ضرورت ثبات در سیاست دولت را مسلم ساخت.

- موضوع اعتماد مردم به دولت که اهمیت قابل پیش‌بینی بودن مسیر سیاست‌های دولت و تداوم آنها را به‌دلیل جلوگیری از اختلال در اقتصاد کشور، مورد تأکید قرار می‌دهد (ارشدی، 1385).

از (1980-1990) تأکید بر خصوصی‌سازی و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشت. از اواخر دهه 1990 بهبود محیط کسب‌وکار موضوع کانونی محافل نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری اقتصاد بوده است. این تغییر در پارادایم سیاست‌گذاری، محصول تحولات اقتصادی از یک سو و طرح نظریات جدید اقتصادی از سوی دیگر است (میدری و قودجانی، 1387).

دست‌و‌پا (2005) در تلاش برای یافتن راهکار توسعه اقتصادی و مبارزه با فقر بر دلایل ناتوانی کشورهای فقیر در کسب و تولید سرمایه تمرکز می‌کند و در این کنکاش تحقیقات فراوانی را در انواع کشورها انجام می‌دهد و در نهایت موضوع مالکیت و قوانین محیطی را مانعی اصلی و مهم در تولید و انباشت سرمایه تشخیص می‌دهد. پس به نظر می‌رسد که در یافتن تاریخچه و ریشه شکل‌گیری مفهوم محیط کسب‌وکار و طرح راهکار بهبود کسب‌وکار 2 روند می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد:

- نظریات و مکاتبی که نحوه رشد تولید و افزایش سرمایه را بررسی کردند و به عوامل محیطی بنگاه‌ها نزدیک گردیدند.

- نظریات و مکاتبی که به ساماندهی موانع محیطی رونق فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها پرداختند و راهکار بهبود محیط کسب‌وکار را سامان دادند.

علاوه بر این، از نظر تاریخی دهه نخست قرن 21 مطابق است با بهبود فضای کسب‌وکار که فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای فعالیت بهینه اقتصادی با بهره‌گیری از تجربیات قبلی انجام گرفته است. دیدگاه‌های فوق تا حدودی بیان می‌دارد که مباحث و شاخص‌هایی که امروزه برای بخش فضای

کسب و کار در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است در گذشته نیز تحت عناوین دیگری مورد توجه و تجزیه و تحلیل بوده‌اند. با بررسی تجارب کشورهای مختلف دنیا مشخص می‌گردد برخی کشورها با بهره‌گیری از رویکرد خصوصی‌سازی و البته با فراهم آوردن سازوکارهای مورد نیاز برای ایجاد و گسترش آن توانسته‌اند زمینه‌ساز اتفاقات مثبت در اقتصاد کشورهای خود شوند. از سوی دیگر کشورهایی مانند چین، ویتنام، مجارستان و لهستان کوشیدند با رفع موانع توسعه بخش خصوصی (بهبود محیط کسب و کار) و نه خصوصی‌سازی، سهم بخش خصوصی را به‌طور قابل توجه در کلان اقتصاد ارتقا داده و معجزه بزرگ اقتصادی را در دنیا رقم بزنند (اتاق تعاون و بازرگانی، 1389).

2-1. پیشینه تحقیق

در ارتباط با موضوع این تحقیق در خارج و داخل کشور مطالعاتی صورت گرفته که در اکثر این مطالعات از روش‌های اقتصادسنجی سری زمانی و روش‌های تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. لازم به ذکر است تاکنون مطالعه‌ای در مورد بررسی عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار در ایران با روش اقتصادسنجی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی صورت نگرفته است. در زیر به مهم‌ترین مطالعات خارجی و داخلی پرداخته می‌شود.

2-1-1. مطالعات خارجی

یکی از مطالعات مشهور و تأثیرگذار در این حوزه مطالعه نک و کیفر (1995) است که به بررسی رابطه سرمایه‌گذاری و رشد با شاخص ریسک ICRG در 97 کشور جهان در دوره زمانی (1974-1989) پرداخته‌اند. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که این شاخص در مدل‌های سرمایه‌گذاری و رشد معنادار است. در تحقیقی که توسط داردیا و همکاران (1999) در مورد فضای کسب و کار در کالیفرنیا صورت گرفته است، فهرستی از دسته‌بندی اصلی از عوامل و شاخص وزنی مربوط به آنها برای گرانت تورنتون و شرکت توسعه سرمایه‌گذاری CED¹ ارائه شده است. بر اساس این فهرست بررسی‌های گرانت تورنتون بیشتر متمرکز بر هزینه‌های تولید است. این در حالی است که بررسی‌های CED تلاش دارد از فضای کسب و کار در هر ایالت ارزیابی جامعی داشته باشد. در شاخص تورنتون وضع مالیات با اینکه تأثیر منفی بر رونق کسب و کار داشته موجب بهبود زیرساخت‌ها گردیده است. در شاخص CED هم بیشترین توجه بر سیاست‌های اجتماعی است زیرا در نزد رهبران کسب و کار مسائل اجتماعی از ارزش بالایی برخوردارند. همچنین، با توجه به تحقیقات انجام شده توسط این محققان سطوح دستمزد بر عملکرد اقتصادی بسیار مؤثر بوده است. کیفیت کار انجام گرفته توسط نیروی کار محلی نیز یکی از اجزای مهم در فضای کسب و کار به‌شمار می‌آید.

1. Grant Thornton, Corporation for Enterprise Development

در مطالعه دیگری که توسط توپین و همکارانش (2003) انجام شده به بررسی تأثیر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه BIT¹ بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فضای کسب‌وکار داخلی پرداخته است. این معاهدات ابزاری عمومی برای کشورهای توسعه‌یافته به‌شمار می‌آیند تا از این طریق بتوانند از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حمایت و محافظت کنند و به همین دلیل است که روزه‌روز محبوبیت بیشتری می‌یابند. عواملی که توپین در تعیین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بهبود فضای کسب‌وکار مؤثر دانسته عبارتند از اندازه بازار، نرخ رشد اقتصادی، ریسک سیاسی، نرخ تورم به‌عنوان شاخص ثبات در اقتصاد کلان، منابع طبیعی و جمعیت و برخی از عوامل مانند بازبودن اقتصاد را به‌دلیل ناکارآمد بودن و داشتن ماهیت متضاد نادیده گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اندازه بازار به‌عنوان عامل تعیین‌کننده پیشرو در جریان سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود فضای کسب‌وکار در جهان پذیرفته شده است. نرخ بالای رشد اقتصادی موجب افزایش میزان سرمایه‌گذاری در هر کشور می‌گردد. با توجه به نتایج حاصله ارتباط میان ریسک سیاسی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارتباطی مثبت و معنادار است. همچنین اثر عامل جمعیت نیز مثبت برآورد شده، اما تأثیر نرخ تورم در این تحقیق مبهم در نظر گرفته شده است؛ زیرا از یک سو موجب سود بردن بدهکاران از تورم پیش‌بینی نشده می‌باشد و از سوی دیگر نرخ بالای تورم ممکن است به شکست سیاست‌های داخلی منجر شود که مانعی بر سر راه سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب‌وکار است. در نهایت تأثیر وجود منابع طبیعی بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بهبود فضای کسب‌وکار مثبت برآورد شده است.

در مطالعه دیگری که توسط دالار و همکاران (2003) تحت‌عنوان "فضای کسب‌وکار و عملکرد شرکت‌ها در اقتصادهای در حال توسعه" صورت گرفته به بررسی فضای کسب‌وکار در کشورهای همچون بنگلادش، اتیوپی، چین و پاکستان پرداخته است. نتایج حاصل از اندازه‌گیری عینی از فضای کسب‌وکار در این مناطق حاکی از تأثیرات معنادار سرمایه‌گذاری بر فضای کسب‌وکار می‌باشد. فضای سرمایه‌گذاری در زمینه سطوح بهره‌وری، دستمزد، نرخ سود، نرخ‌های رشد و اشتغال و موجودی سرمایه در سطح شرکت‌ها پراهمیت جلوه می‌نماید. همچنین، به اعتقاد نویسندگان نقش دولت‌ها در بهبودبخشی به فضای کسب‌وکار در راستای فراهم آوردن زیرساخت‌ها و دستیابی به بازارهای بین‌المللی بسیار مهم شمرده می‌شود.

تحقیق دیگر مربوط می‌شود به لاروسی (2009) که به بررسی فضای سرمایه‌گذاری در 16 ایالت از کشور هندوستان پرداخته است. وی تلاش نموده ویژگی‌های فضای کسب‌وکار در هندوستان را شناسایی

1. Bilateral Investment Treaties

کند تا از این طریق به تفاوت عملکرد ایالت‌های مختلف در زمینه رشد و سرمایه‌گذاری پی ببرد. در این تحقیق 46 متغیر توصیفی مربوط به محیط کسب و کار در 16 ایالت شناسایی شده‌اند. برای آسان نمودن، او این 46 متغیر را در 3 گروه طبقه‌بندی نموده که عبارتند از نهاده‌ها، زیرساخت‌ها و مؤسسات. وی انتظار دارد که با بهبود فضای سرمایه‌گذاری سطح سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی نیز افزایش یابد. همچنین، طبق تحقیقات صورت گرفته در 16 ایالت این نتیجه به دست آمده است که ایالت‌های توسعه‌یافته از فضای سرمایه‌گذاری با کیفیت‌تری برخوردار هستند و برعکس؛ به‌طور مشابه ایالت‌هایی که رشد سریع‌تری را تجربه کرده‌اند، فضای کسب و کار مناسب‌تری نیز داشته‌اند.

با توجه به گزارش کمیته مالی که توسط دولت هندوستان در سال 2000 تنظیم شده است، مشخص گردیده ایالت‌هایی که از زیرساخت‌های با کیفیت‌های بالا در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی برخوردارند نسبت به سایر ایالت‌ها فضای مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری به‌شمار می‌آیند. تجزیه و تحلیل 46 متغیر بررسی شده در زمینه فضای سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که قدرت، حمل و نقل، فساد اداری، قوانین مالیاتی و سرقت از عمده‌تنگناهایی هستند که سیاستگذاران برای بهبود بخشیدن به فضای کسب و کار با آن مواجهند.

2-1-2. مطالعات داخلی

شریف‌آزاده و حسین‌زاده (1382) در مقاله‌ای تحت‌عنوان "تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی" به بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خصوصی با متغیرهای نهادی و ریسک سیاسی طی سال‌های (1358-1379) پرداخته‌اند. متغیر وابسته نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به تولید ناخالص داخلی و متغیر مستقل مدل، نرخ ارز بازار آزاد، لگاریتم سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ تورم و 10 عامل از عوامل تشکیل‌دهنده شاخص ریسک سیاسی ICRG هستند که این عوامل ابتدا به‌صورت جداگانه و حاصل جمع آنها به‌عنوان متغیر امنیت اقتصادی وارد مدل شده‌اند. نتیجه حاکی از تأثیر مثبت و معنادار شاخص ترکیبی می‌باشد و 5 عامل دیگر ارتباط معناداری با نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی نشان نمی‌دهند.

رهر و دیگران (1386) در مقاله‌ای تحت‌عنوان "موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ایران" با وارد نمودن متغیر امنیت سرمایه‌گذاری، نیروی کار و موجودی سرمایه در مدل رشد برای سال‌های (1363-1384) به روش OLS تأثیر مثبت شاخصی از امنیت سرمایه‌گذاری را بر رشد اقتصادی ایران نشان داده‌اند. بدین منظور 10 عامل از مجموعه 12 عامل تشکیل‌دهنده شاخص ریسک سیاسی ICRG با استفاده از نظرات نخبگان اقتصادی و صاحبان صنایع ایران وزن‌دهی و تجمع شده؛ به‌نظر می‌رسد وزن‌دهی عوامل با استفاده از نظرات کارشناسان داخلی تلاشی در جهت تطبیق شاخص مورد استفاده در مطالعه با شرایط خاص کشور بوده است. ضریب همبستگی شاخص امنیت

سرمایه‌گذاری در این مطالعه 98/5 درصد می‌باشد که نشان می‌دهد وزن‌دهی بر اساس نظرات کارشناسان داخلی تفاوت چشمگیری در روند تغییرات شاخص ایجاد نمی‌کند. کشش شاخص امنیت سرمایه‌گذاری (که در مقیاس صفر تا 10 اندازه‌گیری شده) 0/14 برآورد شده است.

عرب‌مازار و دیگران (1389) در مقاله‌ای تحت‌عنوان "شاخص فضای کسب‌وکار و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران" به بررسی تأثیر شاخص فضای کسب‌وکار بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران طی دوره زمانی (1352-1386) پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که شاخص تدوین شده از فضای کسب‌وکار تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارد به طوری که یک درصد افزایش در شاخص فضای کسب‌وکار به طور متوسط و با فرض ثابت بودن سایر شرایط موجب افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران به میزان 0/72 درصد می‌شود. بنابراین بهبود محیط کسب‌وکار به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران منجر می‌گردد.

ابوذر سالاری (1390) در مقاله‌ای تحت‌عنوان "بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب‌وکار" به معرفی و بررسی شاخص‌های کسب‌وکار، شاخص‌های رقابت‌پذیری اقتصاد و مقایسه ایران در این شاخص‌ها با کشورهای برتر جهان و کشورهای منطقه و به طور مشخص به بررسی شاخص‌های مربوط به مالیات و اثر آن بر فضای کسب‌وکار کشور پرداخته و آثار این شاخص بر عملکرد اقتصادی را بررسی نموده و ضمن ترسیم فضای روشن از وضعیت ارتباط نظام مالیاتی کشور با فضای کسب‌وکار طی سال‌های (2005-2011) پیشنهاداتی را جهت بهبود وضعیت نظام مالیاتی و بالطبع بهبود فضای کسب‌وکار ارائه نموده است.

3. معرفی روش تحقیق

این بخش ابتدا به بررسی مؤلفه‌های سازنده محیط نهادی کسب‌وکار، شاخص‌های سنجش فضای کسب‌وکار و همچنین وضعیت فضای کسب‌وکار در ایران می‌پردازد. در ادامه به معرفی مدل و روش تحقیق استفاده شده در این پژوهش پرداخته خواهد شد.

3-1. مؤلفه‌های سازنده محیط نهادی کسب‌وکار

مؤلفه‌های بسیاری بر فضای کسب‌وکار تأثیر می‌گذارند که این عوامل را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

- مؤلفه اول: سیاست‌ها، قوانین و مقررات؛ قوانین و مقررات جاری اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و... و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آنها، از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسب‌وکار در هر کشور به شمار می‌روند. برخی از کشورها از پدیده تغییر بیش از حد و غیرمنتظره سیاست‌ها و در نتیجه تغییرات پیاپی و غیرقابل پیش‌بینی قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها رنج می‌برند. حضور چنین پدیده‌ای در یک کشور مترادف با غیرقابل اعتماد بودن محیط کسب‌وکار در

آن کشور است. برعکس، ثبات نسبی و طول عمر معقول سیاست‌ها و قوانین منبعث از آنها در یک اقتصاد و قانونمند و قابل پیش‌بینی بودن تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، با ایجاد نوعی آرامش خاطر برای کارگزاران اقتصادی این احساس را در آنان تقویت می‌کند که در محیطی امن و قابل پیش‌بینی قرار دارند. در چنین محیطی:

- تغییرات غیرمنتظره سیاست‌ها و قوانین اندک است (No Policy Surprise).
- کارگزاران اطمینان دارند که دولت به سیاست‌ها و قوانینی که خود وضع و اعلام کرده است، پای‌بند خواهد ماند (Credibility of Announcements).
- هر تغییری در سیاست‌ها و قوانین به سرعت به اطلاع ذینفعان رسانده می‌شود و مهم‌تر از آن کارگزاران اقتصادی در فرایند ایجاد تغییرات در سیاست‌ها و قوانین مشارکت داده می‌شوند (Information and Participation).

- مؤلفه دوم: ثبات سیاسی و دولت؛ در ادبیات مربوط، معمولاً ثبات سیاسی را به معنای قانونمند بودن تغییر دولت در نظر می‌گیرند. این تلقی از ثبات سیاسی اگرچه غلط نیست، اما اندکی نامناسب است به گونه‌ای که در تعریف ثبات سیاسی، طول عمر دولت‌ها و نیز طول عمر اجزای دولت‌ها را نیز مدنظر قرار دهیم. موضوع دیگری که می‌بایست در هنگام سنجش ثبات سیاسی مورد توجه جدی قرار بگیرد، نحوه تعامل دولت‌های جدید اعم از دولت‌هایی که به صورت قانونمند بر سر کار آمده‌اند یا دولت‌هایی که از طریق کودتا و مانند آن قدرت را به دست گرفته‌اند با سیاست‌ها و قوانین برجای مانده از دولت قبلی است. در محیط‌های کسب و کار ناامن، این پدیده کاملاً شایع است که متعاقب تغییر دولت تغییرات وسیعی در سیاست‌ها و قوانین اتفاق افتد.

- مؤلفه سوم: امنیت حقوق مالکیت؛ در تمام اقتصادها، حراست از حقوق مالکیت مهم‌ترین دغدغه سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار را تشکیل می‌دهد. منشأ این نگرانی می‌تواند رفتار مجرمانه شهروندان دیگر و یا رفتار غیرمسئولانه مقامات دولتی باشد. دقیقاً به همین دلیل است که از دیرباز در همه جوامع افراد سعی می‌کرده‌اند با اتخاذ تدابیر مناسب جان و مال خویش را از دسترس جنایتکاران و سارقان دور نگاهدارند. دستگاه قضایی در صورتی امنیت‌زاست که آرای صادره از سوی آن پیشاپیش توسط طرفین دعوا و نیز دیگران قابل پیش‌بینی باشد.

- مؤلفه چهارم: خدمات عمومی و زیر ساخت‌ها؛ از آموزه‌های مهم اقتصاد کلاسیک که قرن‌ها پس از اسمیت همچنان استواری خود را حفظ کرده، این است که دولت‌ها موظف نیستند و نمی‌بایست در عرصه‌هایی از اقتصاد که شهروندان قادر و حاضر به حضور در آن هستند به طور مستقیم وارد شوند. به عبارت دیگر بعد دیگر این آموزه آن است که دولت‌ها به طور متقابل موظفند در عرصه‌هایی که بخش

خصوصی نمی‌تواند یا نمی‌بایست مداخله کند، حضور فعال داشته باشد. این موضوع بعدها با پیدایش اصطلاح وظایف حاکمیتی پیگیری شد (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، 1389).

2-3. شاخص‌های سنجش فضای کسب و کار

مؤسسه DB¹ با استناد به 10 شاخص کمی که 10 مرحله از عمر یک کسب و کار را از زمان شکل‌گیری تا انحلال آن در بر می‌گیرد در مورد میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی قضاوت می‌کند. بر این اساس شاخص فضای کسب و کار مزبور محاسبه و به صورت مقایسه‌ای برای همه کشورهای بررسی شده گزارش می‌گردد. شاخص‌ها عبارتند از:

- شروع کسب و کار فرایند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت‌زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت در نظر می‌گیرد.

- اخذ مجوزها شامل تمام فرایند ضروری برای اخذ مجوزهای مورد نیاز تا تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه می‌باشد که مطالعه موردی این شاخص نشان‌دهنده تعداد مراحل، مدت‌زمان و هزینه صرف شده برای دریافت مجوزهای مورد نیاز با استاندارد معین هر کشور است.

- شاخص استخدام و اخراج نیروی کار میزان دشواری استخدام، انعطاف‌پذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می‌سنجد.

- ثبت مالکیت فرایند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی می‌باشد. تعداد مراحل، مدت‌زمان و هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می‌شود.

- شاخص اخذ اعتبار میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده، دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمان‌ها یا افراد قرار داده می‌شود تا براساس اعتبار تعیین شده به ارزیابی فعالان اقتصادی پردازند.

- در شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران بررسی می‌شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی می‌باشند، به‌ویژه در معاملاتی که در آنها منافع مدیران با منافع شرکت یا منافع دولت در تعارض است.

- شاخص پرداخت مالیات مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان تعیین و پرداخت و کل مالیات قابل پرداخت را بر حسب درصد از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی ارزیابی می‌کند.

- تجارت فرامرزی تعداد مراحل، تعداد امضاء، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات، میزان تعرفه‌ها و عوارض و همچنین تعداد مراحل، تعداد امضاء، تعداد اسناد و تعداد روز برای واردات و میزان تعرفه‌ها و عوارض را می‌سنجد.

- در شاخص انحلال فعالیت تعداد مراحل، زمان لازم برای دادرسی و هزینه پرداخت شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

- الزام آور بودن قراردادها زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را در بر می‌گیرد.

3-3. وضعیت فضای کسب و کار در ایران

هرچند بهبود در یک یا چند شاخص احتمالاً رتبه کشورها را بهبود می‌بخشد، اما برای بهبود فضای کسب و کار لازم است همه شاخص‌ها به‌طور متوازن و با ثبات بهبود یابند و این بهبودی برای همه فعالان اقتصادی قابل درک باشد. در ایران قدرت اقتصادی و ساز و کارهای حاکم بر اقتصاد به دلیل نقش بسیار گسترده دولت در اقتصاد غالباً از قدرت سیاسی ناشی می‌شود و بنابراین به شدت تحت تأثیر سیاست‌های دولت می‌باشد. تغییرات پیش‌بینی نشده مقررات و رقابت غیرعادلانه در برابر افراد و سازمان‌های ذی‌نفوذ سیاسی نیز بالطبع افراد را نسبت به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت نگران می‌نماید و در نتیجه آنها را به سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت سوق می‌دهد. در ایران سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی وزارت اقتصاد و دارایی متولی اجرای نظرسنجی‌ها و ارتباط با DB شده است و تلاش می‌کند مشارکت متخصصان را برای جمع‌آوری اطلاعات کامل‌تر و صحیح‌تر برای ارزیابی واقع‌بینانه‌تر جلب نماید.

3-4. معرفی مدل تحقیق و منابع اطلاعات آماری

مطالعات تجربی در ارتباط با سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه با ساختارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت با کشورهای توسعه‌یافته و وجود مشکلات ساختاری مانند بی‌ثباتی و ناطمینانی سیاسی و اقتصادی، نقش و دخالت زیاد دولت در اقتصاد، عدم وجود بازارهای مالی با کارکرد مناسب و سایر کاستی‌های بازار در بسیاری موارد بر مبنای نظریه شتاب انعطاف‌پذیر انجام می‌شود (عرب‌مازار و همکاران، 1389).

نقطه آغازین این پژوهش نیز با اتکا بر نظریه شتاب انعطاف‌پذیر است. در مدل (نظریه شتاب انعطاف‌پذیر) سطح مطلوب موجودی سرمایه واقعی K^* متناسب است با تولید ناخالص داخلی واقعی GDP (y):

$$K^* = \alpha y \quad (1)$$

با دیفرانسیل‌گیری از طرفین نسبت به زمان و تقسیم هر دو طرف بر y ، رابطه (1) را می‌توان بدین صورت تفسیر نمود: نسبت سرمایه‌گذاری مطلوب به تولید یا $(inv/y)^*$ (فرای، 1998).

$$(Inv/y)^* = (INV/Y)^* = \alpha G \quad (2)$$

که در آن، Inv و INV به ترتیب دلالت دارند بر سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی واقعی و اسمی، y دلالت دارد بر GDP اسمی و G عبارت است از میزان رشد GDP واقعی. این نظریه مبتنی بر مکانیزم تعدیل جزئی انباشت سرمایه است که وجود وقفه یا تأخیر در تعدیل موجودی سرمایه به سمت موجودی مطلوب را لحاظ می‌کند.

$$\Delta [INV/(Y)]_t = \lambda [(INV/Y)^* - (INV/Y)_{t-1}] \quad یا \quad (INV/Y)_t = \lambda [(INV/Y)^* - (INV/Y)_{t-1}] + (INV/Y)_{t-1} \quad (3)$$

که در آن λ عبارت است از ضریب تعدیل. مدل شتاب انعطاف‌پذیر این اجازه را به شرایط اقتصادی می‌دهد تا بر ضریب تعدیل اثرگذار باشد (فرای، 1998). به‌ویژه فرض می‌شود که:

$$\lambda = \beta_0 + (\beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \beta_3 X_3 + \dots) / [INV/Y - (INV/Y)_{t-1}] \quad (4)$$

که در آن X_i ها متغیرهایی هستند که ضریب تعدیل (λ) را تحت تأثیر قرار می‌دهند و β_i ها ضرایب مربوطه می‌باشند. وقفه در تعدیل موجودی سرمایه می‌تواند بر مبنای دیدگاه اقتصاد نهاد‌گرای جدید ناشی از محیط نهادی فعالیت‌های اقتصادی کشور باشد که به‌صورت شاخص فضای کسب‌وکار در مدل ما لحاظ می‌شود (متوسلی، 1384).

بدین ترتیب براساس مدل معرفی شده توسط فرای و همکارانش مدل این مطالعه بدین صورت معرفی می‌گردد:

$$IBEt = F(IGt, Pt, TRt, OPENt, ERFt) \quad (5)$$

که در آن IBE ، متغیر وابسته و شاخص فضای کسب‌وکار است و متغیرهای توضیحی به ترتیب عبارتند از: IG سرمایه‌گذاری‌های دولتی در زمان t ، P تورم در زمان t ، TR سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی در زمان t ، $OPEN$ درجه بازبودن اقتصاد (سهم واردات و صادرات از GDP) در زمان t ، ERF نرخ ارز رسمی در زمان t .

در این مطالعه از مدل زیر برای برآورد تابع فضای کسب‌وکار و عوامل مؤثر بر آن استفاده می‌شود، همچنین لازم به ذکر است که دوره زمانی این پژوهش (1350-1390) می‌باشد.

$$LIBE = \alpha_0 + \alpha_1 LP + \alpha_2 LTax + \alpha_3 ERO + \alpha_4 LIg + \alpha_5 Openness + ? t \quad (6)$$

که در آن:

$LIBE$ = لگاریتم فضای کسب و کار

LP = لگاریتم تورم

$LTax$ = لگاریتم سهم درآمدهای مالیاتی از GDP

ERO = نرخ ارز رسمی

LIg = لگاریتم سرمایه گذاری دولتی

$Openness$ = درجه باز بودن اقتصاد (سهم صادرات و واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی)

3-5. تخمین و تجزیه و تحلیل مدل

در این مطالعه برای انجام آزمون هم‌انباشتگی¹ و تخمین مدل از الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)² و آزمون بنرجی، دولادو و مستر (1992) استفاده شده است. دلایل استفاده از این روش مزیت‌های زیادی است که روش ARDL نسبت به سایر روش‌های مشابه مانند انگل-گرنجر (1978)³ و به‌ویژه جوهانسن-جوسیلیوس (1990) داشته و بنابراین به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

3-5-1. بررسی ایستایی متغیرها

قبل از انجام آزمون هم‌انباشتگی می‌بایست اطمینان حاصل شود که متغیرهای مورد بررسی، دارای درجه انباشتگی بیشتر از یک $I(1)$ نیستند. روش‌های گوناگونی برای انجام آزمون ریشه واحد وجود دارد که در این مطالعه از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF)⁴ و KPSS استفاده می‌شود. جدول (1) نتایج آزمون را ارائه می‌کند. نتایج بیانگر آن است که متغیرهایی مانند درآمدهای مالیاتی، نرخ ارز رسمی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی در سطح پایا نبوده و با یک مرتبه تفاضل‌گیری پایا شده‌اند. به عبارت دیگر این متغیرها $I(1)$ هستند. سایر متغیرها در سطح پایا بوده و دارای ریشه واحد نمی‌باشند بنابراین مشکلی به‌لحاظ وجود متغیرهای $I(2)$ و بیشتر وجود ندارد و می‌توان به نتایج حاصله اطمینان داشت.

1. Co-integration
2. Autoregressive Distributed Lag
3. Engel & Granger
4. Augmented Dickey-Fuller

جدول 1. نتیجه آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم یافته

آزمون دیکی فولر و KPSS			
متغیر	آماره آزمون (t-static)	مقدار بحرانی آماره (5 درصد)	نتیجه
LIBE	-2/409	-1/694	پایا
LP	-4/433	-3/540	پایا
LTax	-1/153	-3/552	ناپایا
Ero	-1/269	-3/552	ناپایا
Llg	-1/366	-3/552	ناپایا
Openness	-2/781	-1/692	پایا

مأخذ: نتایج تحقیق.

3-5-2. آزمون هم‌انباشتگی بنرجی، دولادو و مستر و تخمین مدل ARDL

بعد از حصول اطمینان از عدم وجود متغیرهایی با درجه انباشتگی بیش از یک، نوبت به انجام آزمون هم‌انباشتگی می‌رسد. بدین منظور از روش آزمون بنرجی، دولادو و مستر (1992) استفاده شده است که در آن فرض صفر عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرهای الگوی فضای کسب و کار مورد آزمون قرار گرفته است. کمیت آماره t مورد نیاز برای انجام آزمون یاد شده به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \alpha_i - 1}{\sum_{i=1}^p s_{\alpha_i}} = \frac{0/29396 - 1}{0/14294} = -4/93 \quad (7)$$

جدول (3) نتایج آزمون هم‌انباشتگی برای مدل مورد بررسی و همچنین مقادیر بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر برای $K=5$ را نشان می‌دهد. از آنجا که کمیت محاسبه شده از کمیت بحرانی ارائه شده به وسیله بنرجی، دولادو و مستر در سطح اطمینان 95 درصد بیشتر است، فرضیه H_0 رد می‌شود؛ بنابراین یک رابطه تعادلی بلندمدت بین فضای کسب و کار و عوامل مؤثر بر آن وجود دارد و نتایج به دست آمده فرضیه وجود رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرها را در مدل تأیید می‌کند.

جدول 2. نتایج آزمون هم‌انباشتی

(درصد)

مقادیر حدود بحرانی t (با عرض از مبدأ و روند)	مقادیر حدود بحرانی t (با عرض از مبدأ و روند)	مقادیر حدود بحرانی t (با عرض از مبدأ و روند)
تعداد متغیر K = 5	تعداد متغیر K = 5	تعداد متغیر K = 5
آماره t محاسبه شده: $t = -4/60$		

مأخذ: نتایج تحقیق.

حال که وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها در مدل تأیید شد نوبت به تخمین روابط کوتاه‌مدت، بلندمدت و مدل تصحیح خطا می‌رسد. بدین منظور ابتدا معادله (6) را با استفاده از روش ARDL برآورد می‌کنیم که نتایج آن در جدول (3) ارائه شده است. این مدل به صورت $ARDL(1/0/0/0/0)$ برآورد شده است. ضرایب تمام متغیرها بجز تورم در کوتاه‌مدت از نظر علامتی با مبانی نظری ارائه شده سازگار می‌باشد. از نظر معنادار بودن، همه متغیرها بجز تورم معنادار می‌باشند و متغیرهای لگاریتم سرمایه‌گذاری‌های دولتی و درجه باز بودن اقتصاد در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت بر فضای کسب و کار و متغیرهای نرخ ارز رسمی و لگاریتم درآمد مالیاتی تأثیر منفی بر فضای کسب و کار دارد که مطابق انتظار است.

جدول 3. نتایج تخمین ضرایب کوتاه‌مدت و جمله تصحیح خطا با استفاده از

$ARDL(1/0/0/0/0)$ بر مبنای معیار شواترز بیزین

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
LP	0/0019355	0/075415	0/940
LTAX	0/48408-	-3/5126	0/002
ERO	0/3256E-4	3/7266	0/001
LIG	0/46672	3/1832	0/004
OPENNESS	0/39436	2/9028	0/008
C	2/5441	4/3881	0/000
T	0/015225	2/7244	0/012
d DERO	0/082953-	-2/7337	0/011
ecm (-1)	0/70604-	-4/9393	0/000
R2 = 0/57412	DW = 1/7809	F = 7/9623 [0/000]	

آزمون‌های تشخیص

آزمون خودهمبستگی $\chi^2 = 0/65613 [0/418]$

آزمون تصریح مدل $\chi^2 = 0/59737 [0/440]$

آزمون نرمال بودن $\chi^2 = 2/1556 [0/340]$

آزمون ناهمسانی واریانس $\chi^2 = 0/6065E-4 [0/994]$

مأخذ: نتایج تحقیق.

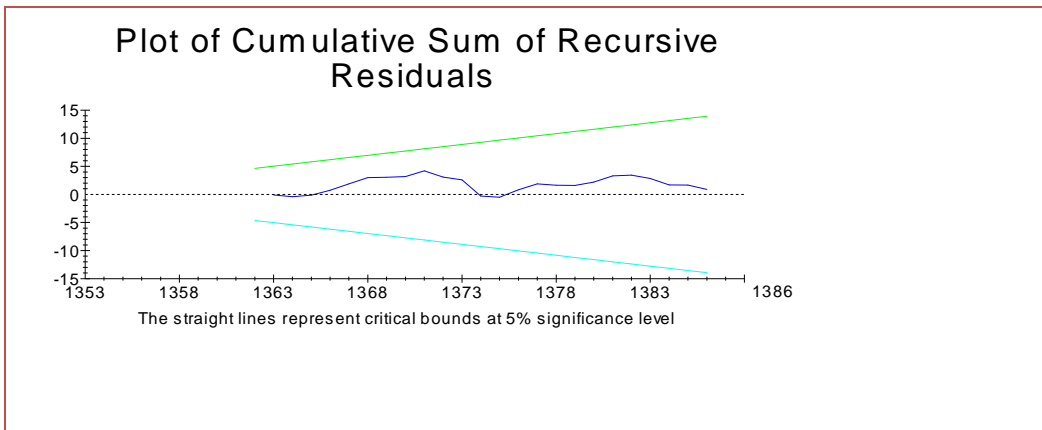
جدول (3) نتیجه برآورد ضریب کوتاه‌مدت را به همراه بخش تصحیح خطای مربوطه ارائه می‌دهد. در این مدل جمله تصحیح خطا منفی و معنادار و حدود 0/71 درصد می‌باشد. همچنین نتایج مربوطه به آزمون‌های تشخیص در این جدول ارائه شده است. با توجه به اینکه مقادیر F به دست آمده بسیار کم و سطح احتمال مربوطه بسیار بالا (0/000) می‌باشد؛ بنابراین، فرضیه عدم وجود خودهمبستگی در مدل، عدم وجود ناهمسانی، فرضیه وجود فرم تابعی مناسب و فرضیه وجود توزیع نرمال در مدل در سطح 5 درصد قابل رد نمی‌باشد. نتایج آزمون‌های فوق نشان‌دهنده این است که نتایج به دست آمده از مدل با درجه بالایی از اطمینان همراه می‌باشد.

جدول 4. نتایج تخمین ضرایب بلندمدت با استفاده از ARDL (1/0/0/0/0)

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
	0/0027413	0/075593	0/940
LP	-0/68563	-3/3466	0/003
LTAX	0/4611E-4	4/2773	0/000
ERO	0/66040	3/0682	0/005
LIG	0/55855	2/7852	0/010
OPENNESS	3/6033	11/3903	0/000
C	0/021563	2/5170	0/019
T	-0/11749	-2/6785	0/013
DERO			

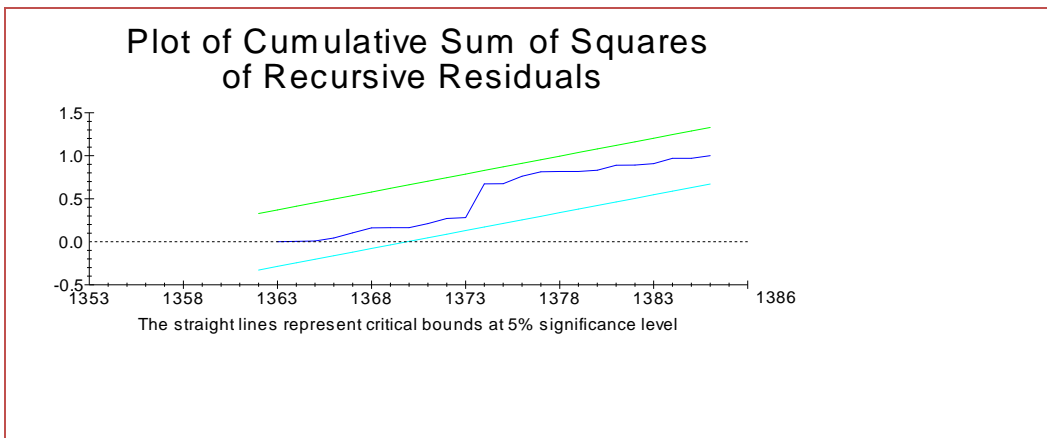
مأخذ: نتایج تحقیق.

نتایج تخمین مدل بلندمدت نیز در جدول (4) ذکر شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل (6) نشان می‌دهد که ضریب متغیر LIG یا لگاریتم سرمایه‌گذاری‌های دولتی برابر 0/66040 است که در سطح اطمینان نزدیک به 100 درصد معنادار می‌باشد و یک درصد افزایش در میزان سرمایه‌گذاری‌های دولتی، باعث افزایش حدود 0/66 درصدی در فضای کسب و کار می‌شود و همانگونه که انتظار داشتیم آماره به دست آمده مثبت و کاملاً معنادار است. برای انجام آزمون ثبات ضرایب از روش CUSUM و CUSUMQ استفاده می‌شود که در آن فرضیه صفر، ثبات پارامترها را در سطح معناداری 5 درصد مورد آزمون قرار می‌دهد. چنانچه آماره آزمون CUSUM و CUSUMQ در بین این 2 خط قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب و یا عدم وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود و اگر نمودار از فاصله اطمینان بیرون زده باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه مقابل یعنی عدم ثبات ضرایب با وجود شکست ساختاری مورد قبول قرار می‌گیرد (تشکینی، 1384).



مأخذ: نتایج تحقیق.

نمودار 1. آزمون ثبات ضرایب CUSUM



مأخذ: نتایج تحقیق.

نمودار 2. آزمون ثبات ضرایب CUSUMQ

4. یافته‌ها و نتایج تحقیق

از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که سرمایه‌گذاری‌های دولتی و درجه باز بودن اقتصاد رابطه مثبت با فضای کسب و کار و تورم و نظام مالیاتی حاکم بر کشور و نوسانات نرخ ارز رابطه منفی با فضای کسب و کار داشته باشند. در این تحقیق نیز با توجه به مدل تخمین زده شده، رابطه فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری‌های دولتی و درجه باز بودن اقتصاد مثبت حاصل گردید. در حقیقت انتظار بر این است که وقتی سهم صادرات و واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی که معرف درجه باز بودن اقتصاد است افزایش پیدا می‌کند تقاضا برای ایجاد کسب و کار نیز افزایش یابد. افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی نیز از

عوامل مهم و تأثیرگذار بر فضای کسب و کار بوده و ضریب مثبت و معنادار این متغیر حاکی از آن است که این متغیر از جمله متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار بوده زیرا با افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و بهبود کیفیت زیرساخت‌ها، کیفیت فضای سرمایه‌گذاری برای کسب و کار نیز افزایش خواهد یافت.

نوسانات نرخ ارز عواقب خاص خود را بر اقتصاد خواهد داشت. در حقیقت، بی‌ثباتی در نرخ ارز موجب بی‌ثباتی در تولید و تجارت خواهد شد. اگر نرخ ارز نوسانات شدیدی داشته باشد، با توجه به اینکه صادرکنندگان و واردکنندگان به هنگام عقد قرارداد چشم‌انداز مشخصی از درآمدها و هزینه‌های خود به پول ملی ندارند علیرغم مشخص بودن ارزش ارزی کالاهای مزبور در زمان انعقاد قرارداد به دلیل وجود فاصله زمانی تا هنگام دریافت درآمد صادراتی و یا فروش کالاهای صادراتی این نوسانات می‌تواند ارزش کالاهای مزبور را (به پول ملی) به شدت متأثر کرده؛ موجب ضرر و یا سودهای کلان شود (هلاینر، 1985).

دیگر عامل مؤثر بر فضای کسب و کار نظام مالیاتی حاکم بر کشور است. از یک سو درآمدزایی دولت از محل اخذ مالیات بیشتر منجر به توسعه همه‌جانبه اقتصادی همچون رشد فضای کسب و کار، افزایش سطح تولید کیفی و اشتغال می‌گردد، اما از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که نرخ‌های مالیاتی بالا سبب انتقال بنگاه‌ها به اقتصاد غیررسمی می‌شود و در نتیجه پایه مالیاتی کوچکتر شده و درآمد کمتری نیز جمع‌آوری می‌شود.

علاوه بر این از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که تورم تأثیر منفی بر فضای کسب و کار داشته باشد، اما طبق داده‌های استفاده شده در این تحقیق و همچنین نتایج به‌دست آمده رابطه تورم و فضای کسب و کار مثبت برآورد شده است. دلیل این عامل را می‌توان در تحولات عمیق اقتصادی-اجتماعی طی دوره (1390-1350) جستجو کرد. طی سال‌های (1356-1350) که لقب سال‌های پس از شوک نفتی اول را به خود گرفته‌اند فضای کسب و کار از شرایط مطلوبی برخوردار بوده، زیرا در این دوران با افزایش درآمدهای نفتی مخارج دولت و سرمایه‌گذاری‌های دولتی نسبت به مقیاس اقتصاد افزایش داشته است. در نتیجه تزریق بی‌رویه درآمدهای نفتی، تقاضای کل افزایش یافته و در نهایت منجر به افزایش تورم شده است. پس در این دوره علیرغم افزایش نرخ تورم، به دلیل بالا بودن درآمدهای نفتی فضای کسب و کار از شرایط مطلوبی برخوردار می‌باشد. طی سال‌های پس از انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی (1367-1357) فضای کسب و کار با نوسانات متعددی روبرو شده است. طی این دوران حجم دولت گسترش یافته و بحران نااطمینانی موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی شده است. به دلیل بسته بودن اقتصاد که ناشی از فضای جنگی حاکم بر ایران بوده سهم واردات واسطه‌ای و سرمایه‌ای و اعتبارات تولیدی کاهش یافته که همین امر منجر به کاهش تولید شده است. نرخ تورم طی این سال‌ها نسبتاً پایین می‌باشد، پس می‌توان چنین برداشت نمود که نوسانات فضای کسب و کار در این دوران بیشتر

متأثر از شرایط جنگی حاکم بر کشور بوده است تا تأثیر تورم و به دلیل نسبتاً پایین بودن نرخ تورم، این عامل نمی‌توانسته تأثیر منفی بر فضای کسب و کار داشته باشد.

در سال‌های متناظر با برنامه اول توسعه (1373-1368) که همزمان با انجام بازسازی‌های پس از اتمام جنگ و همچنین اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی می‌باشد، شرایط کسب و کار از بهبود نسبی برخوردار بوده است. در این دوره ما با سیاست کاهش اندازه و دخالت دولت در شاخص‌های مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری دولتی به تولید ناخالص داخلی و شاخص‌های مالیاتی مواجه بوده‌ایم. همچنین، طی این دوره سیاست آزادسازی تجاری و کاهش نرخ‌های تعرفه موجب افزایش واردات گردیده است. در آغاز این دوره نرخ تورم پایین و نرخ رشد تولید بالا بوده که خود این عامل تأثیر مثبتی بر بهبود فضای کسب و کار داشته است. در سال‌های متناظر با برنامه دوم توسعه (1378-1374) کشورمان شاهد شرایط نامطلوبی در حوزه کسب و کار بوده است. به دلیل اجرای سیاست‌های انبساطی شدید در دوره قبل، نرخ تورم و همچنین نوسانات نرخ ارز دچار افزایش قابل ملاحظه‌ای گردیده که نتیجه آن ایجاد فضای نااطمینانی در سطح اقتصاد کلان بوده است. طی سال‌های متناظر با برنامه سوم توسعه (1383-1379) ما شاهد بهبود محیط کسب و کار نسبت به دوره پیش می‌باشیم. در این دوره بر مبنای سیاست‌های تعدیل، که این بار با مطالعه بیشتر و تجربه سیاست‌های تعدیل در گذشته صورت گرفته آزادسازی تدریجی تجارت خارجی در شاخص‌های تعرفه و درجه باز بودن قابل مشاهده است. در این دوره کشور علاوه بر افزایش واردات شاهد افزایش سهم درآمدهای نفتی نیز بوده است. همچنین، به دلیل اجرای سیاست تعدیل، نرخ تورم و نوسانات آن نیز در این دوره پایین بوده که خود این عامل منجر به بهبود در فضای کسب و کار شده است. در سال‌های متناظر با برنامه چهارم توسعه (1386-1384) درآمدهای ارزی نفت افزایش شدیدی را تجربه کرده‌اند. با این حال در این دوره روند فزاینده بهبود شرایط کسب و کار ادامه نیافته و به دلیل افزایش مالیات‌ها و نرخ تورم با کاهش روبرو بوده است. در نهایت می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که بجز سال‌های متناظر با برنامه دوم و چهارم توسعه نرخ تورم نسبتاً پایین بوده و همین روند توانسته تأثیر مثبتی بر فضای کسب و کار داشته باشد.

5. یافته‌های کلی و راهکارهایی برای بهبود فضای کسب و کار

با توجه به مبانی تئوریک و تجربی این مطالعه می‌توان به این نتیجه رسید که افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی به‌ویژه در بخش اصلاح زیر ساخت‌ها، اصلاح و بازنگری قوانین مربوط به ایجاد کسب و کار، ثبات دولت، قوانین و مقررات و حاکمیت نظم و قانون، کاهش فساد (رشوه)، پارتی‌بازی، واگذاری

مشاغل به آشنایان و...) و در نهایت اصلاح و بازنگری در عملکرد سیاسی و اقتصادی دولت که می‌تواند منجر به اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران در حوزه کسب‌وکار گردد، از جمله راهکارها برای بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش فقر و بیکاری می‌باشند. همچنین، شایان ذکر است با توجه به رتبه کشور ایران در شاخص‌های جهانی کسب‌وکار، به دلیل داشتن رتبه بالا در اکثر شاخص‌ها، می‌بایست تمهیداتی صورت گیرد تا جایگاه ایران بهبود یافته و به سطح مطلوب دست یابد. در گزارشی که توسط بانک جهانی منتشر شده است، رتبه ایران در فضای کسب‌وکار در سال 2011 در مقایسه با 2010 با 2 پله صعود از 131 به 129 ارتقاء یافته است. در این میان، شاخص‌هایی که تأثیر مثبت داشته‌اند عبارتند از شروع کسب‌وکار، اخذ اعتبار، اخذ مجوزهای ساختمانی، تجارت برون‌مرزی، اجرا و الزام آور بودن قراردادها. در بین آنها بیشترین تأثیر مربوط به شاخص اخذ اعتبار بوده که 20 پله ارتقاء داشته است. سایر شاخص‌ها به استثنای شاخص پرداخت مالیات، تأثیر منفی داشته‌اند و به عبارت دیگر، وضعیت آنها بدتر شده است. بنابراین، شاید بتوان نتیجه گرفت که سیاست کلی و واحدی برای بهبود فضای کسب‌وکار در ایران به اجرا در نیامده است یا هماهنگی‌های لازم میان سازمان‌ها و نهادهای درگیر وجود ندارد.

5-1. راهکارهایی برای بهبود فضای کسب‌وکار

به‌عنوان یک راهکار می‌توان به کوتاه‌تر شدن زمان اخذ مجوزهای لازم برای شروع یک کسب‌وکار و بسترسازی مناسب برای افزایش تعداد بنگاه‌های رسمی اقتصادی از طریق تسریع ثبت، کنترل و بازیابی اطلاعات و روند اداری ثبت شرکت‌ها با استفاده از اطلاعات و ارتباطات، افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی به‌ویژه در بهبود و اصلاح زیرساخت‌ها اشاره نمود. لازم به ذکر است که احداث شهرک‌های صنعتی و توجه به خوشه‌های صنعتی در این شهرک‌ها می‌تواند در کوتاه‌تر نمودن آغاز یک کسب‌وکار نقش بسزایی ایفا نماید و دولت باید در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام دهد. همچنین نظام مالیاتی کارآمد نیز مشوقی برای بهبود فضای کسب‌وکار است و بنابراین با معافیت‌های مناسب مالیاتی می‌توان به این مهم دست یافت. در نهایت می‌توان در خصوص تسهیل در امور مربوط به صادرات و واردات از طریق استفاده هرچه بیشتر از خدمات الکترونیکی از ابتدا تا انتهای پروسه صادرات یا واردات کالا یا خدمات فنی مهندسی اشاره نمود.

منابع

- ارشدی، علی (1385)، آزادسازی حساب سرمایه و اثر آن بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی.
- تشکینی، احمد (1384)، اقتصاد سنجی کاربردی به کمک مایکروفیت، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ اول.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین و سعید ملک‌الساداتی (1389)، "موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره 15.
- دوسوتو، هراندو (2005)، راز سرمایه، ترجمه فریدون تفضلی.
- رهبر، فرهاد، مظفری‌خامنه، فرشید و شاپور محمدی (1386)، "موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره 81.
- سالاری، ابوذر (1390)، "بررسی تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار"، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های 9 و 10.
- شریف‌آزاده، محمدرضا و محمدحسین حسین‌زاده بحرینی (1382)، "تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی"، فصلنامه مفید، شماره 38.
- عرب‌مازار، عباس و مریم‌احمدیان (1389)، "شاخص فضای کسب و کار و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران"، فصلنامه اقتصاد.
- متوسلی، محمود (1384)، توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، دانشگاه تهران.
- میدری، قودچانی (1387)، سنجش و بهبود محیط کسب و کار، انجمن مدیران صنایع.
- Banerjee, A., Dolado, J.J. & R. Mester (1992), "On Some Simple Tests for Co-Integration: The Cost of Simplicity", Bank of Spain Working Paper, No. 9302.
- Banerjee, A., Dolado, J.J., Galbraith, J.W. & D.F. Hendry (1993), "Co-Integration, Error-Correction and the Econometric Analysis of Non-Stationary Data, Advanced Texts in Econometrics", Oxford University Press.
- Dardia, Michel & Sherman Luck (1999), "Rethinking the California Business Climate", Public Institute of California.
- Dickey, D.A. & W.A. Fuller (1979), "Distribution of the Estimators for Autoregressive Time Series with a Unit root", *Journal of the American statistical Association*, Vol. 74, PP. 427-31.
- Dickey, D.A. & W.A. Fuller (1981), "Likelihood Ratio Statistics for Autoregressive Time Series with a Unit root", *Econometrica*, Vol. 49, PP. 1057-72.
- Dollar, David, Mary Hallward-Driemeier & Taye Manistee (2003), "Investment Climate & Firm Performance in Development Economies World Bank", Development Research Group.
- Fry, M.J. (1998), "Saving, Investment, Growth and Financial Distortions in Pacific Asia and Other Developing Areas", *International Economic Journal*, Vol. 12, No. 1, PP. 1-24.
- Hellinier, C.K. (1985), *The Impact of the Exchange Rate System on the Developing Countries, The International Monetary System and Its Reform (Part II)*, PP. 408-491.
- Knack, S. & P. Keefer (1995), "Institution and Economic Performance, Cross Country Test Using Alternative Measures", *Economic and Politics*, Vol. 7, Issue. 3.
- Larossi, Giuseppe (2009), "the Investment Climate in 16 Indian States", Policy Research Working Paper 4817, PP. 153-191.
- Tobin, Jennifer & Susan Rose-Ackerman (2003), *Foreign Direct Investment and the Business Environment in Developing Countries: the Impact of Bilateral Investment Treaties*, Department of Political Science.
- www.Cbi.ir.
- www.Wdi.com.

